



نقش موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران

حمیدرضا قوام ملکی^۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۳

چکیده

التهاب دائمی فضای امنیتی خاورمیانه، دولتهای منطقه را ناگزیر از توسعه گسترده توان نظامی و تدارک تسلیحات متعارف و غیر متعارف در ابعاد وسیع نموده است. و در این میان به دلیل برتری توان نظامی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، بویژه در عرصه نیروی هوایی، تسلیحات موشکی به دلایل بسیار مورد توجه خاص قرار گرفته است. این مساله در مورد کشوری مانند ایران که از نظر دسترسی به فناوری های پیشرفته نظامی و بازار تسلیحات با محدودیتهای بسیاری روبرو است و در عین حال از سوی دشمنی پرتوان تر تهدید می شوند و با توجه به فشار زمانی برای آمادگی در برابر یک رویارویی احتمالی، یک اولویت راهبردی تلقی می شود. زیرا در شرایط موجود، موشک ها واجد امتیازاتی هستند که به سبب آنها کشور دارنده می تواند با صرف هزینه کمتر و در زمانی کوتاه تر به قابلیت بازدارندگی بهتری دست یابد. در این مقاله با بررسی این امتیازات، جایگاه موشک ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را مورد کاوش قرار می دهیم.

واژگان کلیدی:

بازدارندگی، راهبرد، موشک های بالستیک، خاورمیانه، تسلیحات.

مقدمه

خاورمیانه دارای برخی از پر سابقه‌ترین بحران‌ها و مخاصمات منطقه‌ای است. علاوه بر کشمکش‌ها و بعضاً جنگ‌های با منشأ درون منطقه‌ای، تشکیل دولت اسرائیل درون سرزمین فلسطین پس از جنگ دوم جهانی و دخالت‌های مستمر قدرتهای بزرگ به معمای امنیت در این منطقه پیچیدگی فراوانی بخشیده است. سابقه جنگ‌های اعراب و اسرائیل، جنگ ۸ ساله ایران و عراق، اشغال کویت توسط عراق و بروز جنگ اول خلیج فارس و اشغال عراق توسط ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش، نمونه‌هایی از حادث‌ترین، اما مسلماً نه آخرین، مناقشات منطقه خاورمیانه به شمار می‌روند. در حال حاضر حاد شدن موضوع پرونده هسته‌ای ایران و احتمال برخورد نظامی آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، ثبات منطقه را با تردید جدی روبرو ساخته است.

این التهاب دائمی فضای امنیتی، دولتهای منطقه را ناگزیر از توسعه گسترده توان نظامی و تدارک تسلیحات متعارف و غیر متعارف (شیمیایی، بیولوژیک، هسته‌ای) در ابعادی وسیع نموده است. و در این میان به دلیل برتری توان نظامی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، بویژه در عرصه نیروی هوایی، تسلیحات موشکی به دلایل بسیار مورد توجه خاص قرار گرفته است. این مسأله در مورد کشوری مانند ایران که از نظر دسترسی به فناوری‌های پیشرفته نظامی و بازار تسلیحات با محدودیتهای بسیاری روبرو است و در عین حال از سوی دشمنی به مراتب پرتوان تر تهدید می‌شوند و با توجه به فشار زمانی برای آمادگی در برابر یک رویارویی احتمالی، یک اولویت راهبردی تلقی می‌شود. زیرا در شرایط موجود، موشک‌ها واجد امتیازاتی هستند که به سبب آنها کشور دارنده می‌تواند با صرف هزینه کمتر و در زمانی کوتاه تر به قابلیت بازدارندگی بالاتری دست یابد.

در ادامه با بررسی این امتیازات، جایگاه موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را مورد کاوش قرار می‌دهیم.

۱- امتیازات موشک‌ها

تسلیحات موشکی در ابعاد نظامی و غیر نظامی و به لحاظ هزینه‌های دستیابی حائز خصوصیتی است که آن را طرف توجه کشورهای جهان قرار داده است. این ویژگی‌ها سبب شده تا کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران نیز در شرایطی که با تهدیدات نامتقارن

روبرو هستند، بیش از پیش به این تسلیحات توجه نمایند.

۱،۱- ارزش نظامی این موشک‌ها

ارزش نظامی موشک‌ها در مواردی چون برد، سرعت، شتاب، قدرت تخریب، عدم امکان دفاع موثر، قابلیت حمل کلاهک‌های نامتعارف و برخی امتیازات فنی و مالی خلاصه می‌شود.

برد

موشک‌های بالستیک می‌توانند بردهای مختلفی داشته باشند و اهداف خاصی را هدف قرار دهند. از بزرگترین مزایای این موشک‌ها برد نسبتاً زیاد آنهاست. این موشک‌ها که دارای انواع کوتاه برد (تا حدود ۱۲۰۰ کیلومتر)، برد متوسط (از حدود ۱۲۰۰ کیلومتر تا نزدیک ۲۸۰۰ کیلومتر)، میان برد (از حدود ۲۸۰۰ تا بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر) و دور برد یا قاره‌پیما (بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر) هستند؛ می‌توانند تهدیدات جدی برای دشمنان بالقوه و بالفعل ایجاد کنند و علیه اهداف نظامی و غیر نظامی به کار گرفته شوند و تأثیرات خاص استراتژیک و تاکتیکی داشته باشند (<http://www.nipp.org>). می‌توان برد این موشک‌ها را با اعمال تغییراتی خاص از جمله کاستن محوله و افزودن بر میزان سوخت آنها کم و زیاد کرد. نمونه آن تغییراتی که عراق در زمان حکومت رژیم بعث در موشک‌های "اسکاد بی" کره شمالی اعمال نمود و برد آنها را از حدود ۳۰۰ کیلومتر به ۶۵۰ کیلومتر رساند و آنرا "الحسین" نامید (Carus, 1990:19). همچنین می‌توان موشک‌های برد متوسط را با انجام برخی اصلاحات و پیشرفته‌تر ساختن و تغییر در پاره‌ای تجهیزات و از جمله موتور آنها به بردهای بسیار بیشتر رساند و به سطح موشک‌های میان برد و حتی قاره‌پیما ارتقاء داد. مسلماً با افزایش برد، توان تهاجمی و قدرت حمله کشورها افزایش پیدا می‌کند. منابع غربی و آمریکایی مدعی هستند که ایران به این شکل در حال ارتقاء موشک‌های سری شهاب خود است و ظرف یکی دو دهه آینده موشک‌های شهاب را به مرحله قاره‌پیما خواهد رساند (کوردزمن، ۱۳۸۲: ۱۴۰). این منابع درباره عراق نیز از چنین قابلیت‌هایی که تا سال ۲۰۱۵ فراهم می‌شود، سخن گفته بودند (همان: ۱۵۱). به این ترتیب قدرت آتش و تهاجم کشوری مانند ایران می‌تواند بسیار گسترش پیدا کند.

برد موشک‌های بالستیک امکان بسیار مهمی است که در برخورد با دشمنان محتمل، اعم از همسایگان یا کشورهای دوردست، می‌تواند کمک مؤثری باشد. این امر بستگی به موقعیت و چگونگی قرارگیری کشوری دارد که به عنوان دشمن معرفی شده است. بنابراین از نظر برد نیازمندی کشورها متفاوت است. برد موشک‌های بالستیک هرچه افزایش یابد، تنظیم و حفظ دقت مسیر آنها دشوارتر می‌شود و به فن‌آوری پیشرفته‌تری نیاز دارد (Kemp: 156). با این حال در وضعیت فعلی منطقه خاورمیانه از لحاظ فنی، موشک‌های کوتاه برد نیز گاه دقت چندانی ندارند. بسیاری از موشک‌های اسکاد عراق که به اسرائیل شلیک شدند دقت کافی نداشته و در نواحی خالی از سکنه و یا فاقد ارزش خاص نظامی به زمین نشستند (Rubin, Ibid, 61).

برخی استراتژیست‌های نظامی استدلال می‌کنند که کاسته شدن از میزان دقت موشک‌های بالستیک در بردهای بالاتر بویژه باتوجه به ضعفی که در فن‌آوری کشورهای منطقه دیده می‌شود (این کشورها اغلب قادر نیستند سیستم جهت‌یابی دقیق بر روی موشک‌های خود قرار دهند) سبب می‌شود که استفاده از کلاهک‌های متعارف بر روی این موشک‌ها مقرون به صرفه نباشد و طبعاً کشوری مانند ایران باید موشک‌های برد متوسط و میان برد احتمالی خود را با کلاهک‌های نامتعارف (شیمیایی، بیولوژیک و یا هسته‌ای) مجهز نماید (Stav, Ibid). بعلاوه از آنجا که برای تولید موشک‌های دوربرد هزینه و زمان بیشتری صرف می‌شود و از این رو به تعداد کمتر نیز تولید می‌شوند، باز استفاده از کلاهک‌های نامتعارف برای بردهای بیشتر توجیه لازم را پیدا می‌کند (Kemp, Ibid: 61) زیرا با چنین کلاهک‌هایی می‌توان آسیب‌های بیشتری وارد ساخت و اگر خطا برونند بازهم خسارات محتمل می‌تواند جبران‌ناپذیر باشد.

برد فزونی‌گیرنده موشک‌های بالستیک می‌تواند در منطقه و برای کشورهای آن با توجه به نوع دشمنی‌ها و درگیری‌های منطقه مفید باشد زیرا جنگ و درگیری در منطقه خاورمیانه تنها بین همسایگان رخ نمی‌دهد بلکه گاه بین کشورهایایی از این منطقه و قدرتهایی است که از خارج منطقه آمده‌اند. در صورتیکه کشورهای منطقه بخواهند آمریکا و متحدینش در پیمان ناتو را تهدید کنند به موشک‌هایی با برد بیشتر نیاز دارند که بتواند اروپا را هدف قرار دهد و حتی به آمریکا برسد. در منطقه‌ای مانند آسیای جنوبی اختلافات و دشمنی کشورها

اغلب محدود به اختلافات همسایگانی مانند هند و پاکستان است و نیازی به تهدید مناطق دوردست ندارند (هند حداکثر در پی تهدید چین است). اما شرایط خاورمیانه تا حدودی متفاوت است و کشورهای انقلابی آن اختلافات زیربنایی با آمریکا دارند.

سرعت

سرعت نیز از وجوه اهمیت و امتیازات این موشک هاست، که نسبت به سیستم‌های دیگر برتری خاصی را نشان می‌دهد. موشک بالستیک با سرعت مافوق صوت خود می‌تواند دشمن را غافلگیر و ضربه غافلگیرانه و نابود کننده بر آن وارد آورد. بسیاری از موشک‌های اسکاد دارای سرعت حدود ۲ کیلومتر بر ثانیه هستند. موشک‌های بالستیک در مرحله فرود سرعت و شتاب خاصی پیدا می‌کنند که از مرحله صعود آنها بیشتر است. موشک‌ها فواصل طولانی را در مدت زمانهای مختلفی می‌پیمایند؛ از حدود ۲۰ ثانیه برای موشک‌های قسام که مبارزان فلسطینی به اهداف اسرائیلی شلیک می‌کنند تا حدود چند دقیقه که موشک‌های اسکاد از عراق می‌پیموندند تا به اهدافی در ایران یا اسرائیل اصابت کنند و تا کمتر از نیم ساعت برای موشک‌های قاره‌پیما که ممکن بود بین دو ابرقدرت آمریکا و شوروی رد و بدل شوند. سرعت زیاد موشک‌ها بویژه در مرحله فرود که در واقع مرحله نهایی سیر آنهاست، مقابله با آنها را دشوار می‌سازد. موشک‌های کروز از سرعت کمتری برخوردارند اما به تازگی آمریکا موفق شده که موشک‌های کروزی با سرعت و برد بیشتر بسازد. با این حال برد این موشک‌ها نیز هنوز در حد موشک‌های بالستیک کوتاه برد است. مدل "توماهاوک" از موشک‌های کروز آمریکا در جنگ‌های دهه ۱۹۹۰ آمریکا در یوگسلاوی بسیار مؤثر بود. در سطح تاکتیکی با استفاده از موشک‌های بالستیک و کروزی که از سرعت لازم برخوردار باشند و علیه اهداف نظامی به کار گرفته شوند می‌توان بخش مهمی از تاسیسات، لجستیک و نفرات دشمن را در مدت کوتاه نابود کرد و از کار انداخت. در نبردی که یک طرف آن اسرائیل و یک طرف دیگر آن کشورهای اسلامی و عربی باشند با استفاده از این موشک‌ها می‌توان خطوط تدارکاتی و راه‌های اسرائیل را هدف قرارداد و حمل و نقل و ترابری این رژیم را متوقف نمود و به این ترتیب مانع بزرگی در اعزام نیروهای ذخیره که ارتش اسرائیل به شدت محتاج آنهاست و باید در کمترین زمان ممکن آنها را به میدان جنگ اعزام کند، پیش می‌آید (Gold, Ibid). این مأموریتی است که شاید

نتوان با نیروی هوایی کشورهای منطقه آنرا انجام داد اما موشک‌های بالستیک و کروز همین کشورها در مدت کوتاهی موفق به انجام آن خواهند بود. همچنین قدرت تخریب این موشک‌ها تابعی از سرعت در مرحله پایانی مسیر و در زمان برخورد آنها با هدف است. در این حال می‌توان به ارزش، سرعت و شتاب این موشک‌ها و نیز قدرت تخریب آنها پی برد. شدت این موشک‌ها متغیری است که در مرحله پایانی سیر آنها و زمانی که در مرحله فرود هستند مشخص می‌شود و با سرعت، ارتباط مستقیم دارد. شدت زیاد قدرت تخریب این موشک‌ها را چند برابر می‌سازد و همین قدرت تخریب یک عامل مهم در بعد نظامی است که در حمله به غیر نظامیان اهمیت روانی نیز می‌یابد. این متغیر شتاب که ره‌گیری موشک و دفاع در برابر آنرا دشوار می‌سازد در پاره‌ای از موارد با خاصیت تقسیم شونده‌گی کلاهک و قطعات موشک همراه می‌شود و نابود کردن آنرا با مشکلات بیشتری همراه می‌نماید.

قدرت تخریب

قدرت تخریب متغیر دیگری است که این موشک‌ها را بویژه در سطح تاکتیکی مهم می‌سازد. اما در صورتی که ارزش استراتژیک و تعیین‌کننده خاصی از این موشک‌ها در نظر داشته باشیم کلاهکی که بر روی این موشک‌ها نصب می‌شود، اهمیت خاصی می‌یابد. چنین موشک‌هایی (با کلاهکهای مجهز به سلاح نامتعارف) اثر قاطع و تعیین‌کننده‌ای در سطح تاکتیکی و استراتژیک خواهند داشت.

موشک‌های بالستیک و کروز در صورت مجهز بودن به سلاح‌های نامتعارف بویژه از نوع هسته‌ای و بیولوژیک یک عامل بازدارنده شمرده می‌شوند و می‌توانند مانع از بروز جنگ باشند. برخورداری از چندین کلاهک هسته‌ای ادعایی و موشک‌های بالستیک میان برد سبب شده که دولتهای غربی علی‌الخصوص در برخورد با کره شمالی احتیاط بیشتری به خرج دهند. این کشور در شرایط کنونی در حدی است که می‌تواند بخشهایی از غرب ایالات متحده را تهدید کند و قطعاً ژاپن و تایوان را در تیررس خود دارد و ضمناً می‌تواند کلاهکهای هسته‌ای بر موشک‌های بالستیک خود نصب نماید (کرمی، ۱۳۷۵: ۵۸-۳۷).

در جنگ ایران و عراق در مرحله‌ای که از آن به عنوان جنگ شهرها یاد می‌کنند از موشک‌های بالستیک نوع اسکاد بسیار استفاده شد و در نهایت به دنبال تخریب و ویرانی بسیاری که در

این مرحله به بار آمد جنگ خاتمه یافت و این امر بسیاری را به این نتیجه رساند که موشک‌ها در این مرحله از جنگ اثری تعیین‌کننده داشته‌اند (Cordesman, 2002: 126-130).

نبودن دفاع مناسب

نبودن دفاع مناسب و قابل اطمینان در موشک‌ها عامل مهمی است که می‌تواند تشویق‌کننده کشورها به کسب فن‌آوری سلاح‌های موشکی و دستیابی به آنها باشد. راه‌های زیادی برای مقابله با تهدیدات موشکی پیشنهاد شده و تحقیقات بسیاری در این زمینه صورت گرفته و سرمایه‌گذاری‌های بسیاری انجام شده است. اما اغلب این روشها در یک جنگ واقعی آزموده نشده‌اند. بسیاری از آزمایشها در محیط‌های مجازی و تحت شرایط خاص انجام شده است و هنوز به درستی نمی‌توان درباره مؤثر بودن و قابلیت این سیستم‌ها قضاوت کرد. دفاع موشکی پاتریوت که در جنگ خلیج فارس از آن استفاده شد چندان موفق نبود. دیگر سیستم‌ها و روش‌های دفاع موشکی نیز هنوز کامل نشده و به مرحله تولید انبوه نرسیده‌اند. بسیاری از آنها هنوز در مرحله تحقیقات هستند. در بسیاری از موارد مشکل بودجه وجود دارد و گرچه پاره‌ای از این روشها در تئوری و نظر مفید و مؤثر هستند، اما مشکلات فنی بسیاری در توسعه آنها بروز کرده و بعضاً امید چندانی به موفقیت آنها نیست. در بسیاری از موارد تبلیغات و سروصدای بسیاری در اطراف برخی سیستم‌های دفاع موشکی برپا شده اما قابلیت و توانایی آنها مورد تردید است. یک نکته که بر سر آن توافق وجود دارد قابلیت و توانایی موشک‌هاست در وارد آوردن خسارات شدید و رشد کمی روزافزون آنها. اما در برابر، هنوز اطمینانی به مؤثر بودن دفاع موشکی وجود ندارد. همچنین، قابلیت‌های نیروی هوایی که قدرتهایی مانند آمریکا و اسرائیل سعی دارند در آن سرآمد باشند نیز لزوماً از عهده دفع این موشک‌ها بر نمی‌آید و وسیله مناسبی برای پیشگیری از خطر آنها نیست.

به هر حال از بین بردن موشک‌های مهاجم در آسمان به مراتب دشوارتر از انجام حمله موشکی است و به دانش فنی، اطلاعات و تجهیزات بسیار بیشتری نیاز دارد که فراتر از سطح معمول و متعارف نیروی هوایی است. مثلاً برای شناسایی و دستیابی به هدف، تجهیزات و زیرساختهای بسیار بیشتری باید فراهم آورد. این تجهیزات بویژه از نظر رادار و ترکیب اجزای مختلف سیستم دفاع موشکی نیازمند کار و هزینه بسیار است و فرآیند

دستیابی به آنها بسیار پیچیده و وقت‌گیر است (Rubin). یک نکته مهم اینست که برای از بین بردن سیستم‌های موشکی در حین سیر آنها به سوی هدف باید برخی کیفیات جدید ایجاد شود که در شکل معمول دفاع هوایی وجود ندارد. از یک طرف سرعت موشک‌ها بسیار بیشتر از هواپیماهاست، شدت بسیار بیشتری دارند و برای هدف قرار دادن باید مختصات نقطه‌ای آنها را در آسمان پیدا کرد، ارتفاع و سیر و اوج‌گیری موشک‌ها بسیار بیشتر است، آتشبارهای معمول ضد‌هوایی در این زمینه کارآمد نیستند و برای مقابله با موشک‌های مهاجم باید وسایلی به کاربرد که به همان اندازه سرعت و شتاب دارند. این کاری است که دشواریها و ظرافتهای خاص خود را دارد. اما این نکته را نباید فراموش کرد که مقابله با این موشک‌ها مانند هدف قرار دادن گلوله‌ای در آسمان با گلوله دیگر است؛ حال یا با ضربه مستقیم گلوله دوم یا با ضربه غیر مستقیم.

قابلیت حمل کلاهکهای مختلف

این هم یک امتیاز این موشک‌هاست که قدرت تخریب و توان استراتژیکی و تاکتیکی آنها را تعیین می‌نماید. چنانکه گفته شد موشک‌های بالستیک می‌توانند دارای برد بسیاری باشند و بنابراین می‌توانند اهداف خاصی را تهدید کنند. مسلماً قدرت تأثیرگذاری بر انتخاب و رفتار دشمن با مسلح شدن به کلاهکهای نامتعارف چندین برابر خواهد شد و می‌تواند بازدارندگی خاصی برای کشورهای مسلح به چنین سلاح‌هایی ایجاد کند. بنابراین بسیاری از کشورهای که به فن‌آوری موشک‌های بالستیک و کروز دست یافته‌اند و یا چنین موشک‌هایی در اختیار دارند قدرتهای بزرگ هسته‌ای می‌باشند و از بازدارندگی هسته‌ای برخوردارند و بسیاری از آنها سلاح‌های بیولوژیک یا شیمیایی در اختیار دارند و یا از فن‌آوری لازم برای تولید و به کارگیری چنین سلاح‌هایی برخوردار می‌باشند. در برخی کشورهای منطقه خاورمیانه نیز کم و بیش چنین وضعی وجود دارد. اسرائیل که خود از نخستین کشورهای برخوردار از توان موشکی بوده است برنامه هسته‌ای دارد و در مظان اتهام برنامه مشکوک تولید سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی است (Cohen). موشک‌های اسرائیل از موشک‌های سری "اریحا"، این قابلیت را دارند که سلاح‌های هسته‌ای حمل کنند (Israel special weapons guide). همچنین ایران را به داشتن برنامه هسته‌ای متهم می‌کنند که می‌تواند مکمل برنامه موشکی این کشور باشد (Cohen, 2004). عراق نیز

بنا به اطلاعاتی که در نتیجه بازرسی های مأموران سازمان ملل در قالب "آنسکام" انجام شد برنامه تولید سلاح های هسته ای داشته است و سلاح های موشکی نیز تولید می کرده است (Cord esman, 2002: 392). البته بعد از اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳ در صحت این گزارش ها تردید حاصل شد. نکته مهم در اینجا اینست که در منطقه ای با شرایط خاورمیانه و بویژه با وضعیت خاص نظامی و سیاسی ایران صرف نظر از ادعاها و اتهامات، چشم پوشیدن کامل از سلاح های نامتعارف احتمالاً چندان با مصالح بلندمدت کشور و لزوم دفاع از آن منطبق نباشد. البته در نهایت باید منافع و مضار تعقیب چنین برنامه هایی را با هم سنجید.

بهر حال می توان با موشک های بالستیک مجهز به سلاح های هسته ای به بازدارندگی دست یافت و رفتار دشمن به این ترتیب کنترل خواهد شد (عسکرخانی، ۱۳۷۷: ۴۸-۱۹). هیچ یک از کشورهای خاورمیانه به جز اسرائیل در چنین سطحی نیستند و از سلاح هسته ای خاصی برخوردار نمی باشند. اما یک نکته را نیز نباید از یاد برد و آن اینکه به هر حال کلاهک های متعارف نیز بر روی موشک های میان برد و حتی برد متوسط می توانند اهداف و کشورهای خاصی را دچار وحشت سازند و منافع و اهداف نظامی آنها را تهدید کنند.

مسائل فنی

با توجه به ضعف نسبی فن آوری در خاورمیانه و محدودیتهای دسترسی به فناوریهای نظامی از سوی غرب، موشک ها تسلیحات مناسبی برای کسب قدرت نظامی بازدارنده با کمترین میزان سرمایه گذاری زیر بنایی محسوب می گردند. برای ایجاد نیروی هوایی پیشرفته و نیرومند به زیر ساختهای گسترده از قبیل فرودگاه ها، تجهیزات رادار، آشیانه های نگهداری هواپیماها، کادرفنی متخصص، ارتقا و روزآمدسازی و بسیاری از این قبیل فعالیت ها و زیرساخت ها نیاز است (Kemp). تولید و ساختن هواپیما در داخل نیز فن آوری و توانایی های بالا و تخصص و مهارت فراوان می طلبد و به سرمایه گذاری بسیاری نیاز دارد. خرید هواپیما و قطعات یدکی آنها دشوار و پرهزینه است و بسیاری از کشورهای منطقه از جمله ایران گرفتار تحریم ها و تبعیض های آمریکا هستند. در عین حال فن آوری موشکی آسان تر در اختیار ایران و کشورهای دیگر منطقه که به دنبال ارتقاء توانایی های نظامی خود و حل مشکل فرسودگی تجهیزات و تسلیحات و بهبود توانایی های تاکتیکی و استراتژیکی

خود می‌باشند قرار می‌گیرد، زیرساختهای کمتری نیاز دارد و کادر فنی آن نیز کمتر است. همچنین هزینه‌های ارتقاء در آن کمتر است و برخلاف هواپیما هزینه‌های تعمیر ندارد و به قطعات یدکی پیچیده کمتر نیازمند است.

ایران توانسته است با تکیه بر امکانات داخلی و با جلب برخی کمک‌های خارجی نیازمندی‌های خود در زمینه موشکی را برطرف نماید. این کمک‌ها از سوی چین، روسیه و کره شمالی به ایران و کشورهایی مانند سوریه می‌رسد.

سیستم نظامی ایران در زمان پهلوی دوم با استفاده از روش‌ها و تسلیحات نظامی آمریکا شکل گرفت. به همین جهت با وقوع انقلاب اسلامی و قطع رابطه با آمریکا و اعمال تحریم‌ها علیه ایران، این کشور از بازسازی و روزآمدگردانی سیستم نظامی خود بازماند. در نتیجه نیروی هوایی ایران در زمان جنگ تحمیلی دچار افت کیفی شد و تاکنون قادر نبوده که تجهیزات نیروی هوایی متکی به سیستم‌های آمریکایی خود را ارتقاء دهد و روز آمد نماید. این امر سبب شده که ایران برای جبران کمبودها به طرف نیروها و تسلیحات جایگزین از جمله سلاح‌های موشکی برود (قهوه‌چی، ۱۳۸۰: ۲۱۲). بنابراین موشک‌ها لاقلاً در کوتاه‌مدت ضعف فن‌آوری در این کشورها را جبران می‌کنند و می‌توانند راه حلی هر چند موقت برای ضعف نسبی نیروی هوایی در کشورهای منطقه باشند. البته در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست ایران در همکاری‌های نظامی خود با کشورهای دیگر همواره این بوده که فن‌آوری به ایران منتقل شود و به عبارت دیگر بومی شود. (Cord es man: 566). البته آمریکا می‌کوشد با استفاده از رژیم کنترل فن‌آوری موشکی انتقال این فن‌آوری‌ها و قطعات لازم برای ساخت موشک‌ها را به ایران متوقف نماید.

مسائل مالی

هزینه‌هایی که برای کسب فن‌آوری‌های موشکی لازم است نسبت به هزینه‌های نیروی هوایی نسبتاً پایین‌تر است و بویژه ایران زمانی برنامه‌های موشکی خود را آغاز نمود، که در طی جنگ و پس از آن از لحاظ درآمد نفت دچار مشکل بود. کشوری مانند ایران از راه تولید این تسلیحات حتی می‌تواند به صادرات این سلاح‌ها دست بزند و از این راه درآمد کسب کند. بنابراین سلاح‌های موشکی می‌تواند در آینده یک بخش از درآمد ایران را فراهم نماید (Shapir, 2004). نکته مهم این است که ایران عضو "ام‌تی‌سی آر" یا "رژیم کنترل

فن‌آوری موشکی" نیست. به موجب این رژیم، کشور عضو نمی‌تواند موشک‌های جنگی بابرده بیش از ۳۰۰ کیلومتر و کلاهک جنگی با وزن بیش از ۵۰۰ کیلوگرم به دیگر کشورها بفروشد و یاتکنولوژی و قطعات لازم را در اختیار کشورهای ثالث قرار دهد.

۱،۲- ارزش غیر نظامی

از موشک‌ها می‌توان برای برخی مقاصد غیر نظامی نیز استفاده کرد. در واقع موشک‌ها را بویژه در برده‌های بالاتر می‌توان به "خودروی پرتاب فضایی" تبدیل کرد. به این معنی که به جای پیمودن مسیر منحنی به سیر عمودی و روبه بالای خود ادامه می‌دهند. این در حالی است که ایران و بسیاری از کشورهای خاورمیانه دارای برنامه‌های ماهواره‌های مخابراتی، جاسوسی و جستجوگر هستند. موشک‌های سری شهاب ایران در مرحله میان برد و حتی قبل آن می‌تواند به عنوان یک پرتاب‌گر (حامل) فضایی استفاده شود (<http://ww.iai.co.il>). لازم به ذکر است که ایران دارای پروژه ماهواره "زهره" به عنوان یک مجموعه از شش ماهواره مخابراتی و ماهواره آموزشی "مصباح" است. اسرائیل نیز از دهه ۱۹۸۰ پروژه موشک پرتاب شونده به فضای "شاویت" را به مراحل پیشرفته رسانده و از آن برای پرتاب ماهواره‌های جاسوسی سری "افق" و "اروس" استفاده نمود (طارمی، ۱۳۸۲: ۵۳). در واقع این موشک‌ها (شاویت) هم می‌توانند مسیر منحنی بالستیک را بیمایند و هم اینکه با تغییراتی در سیستم ناوبری، آنها را در مسیر عمودی هدایت و به فضا پرتاب کرد. منتهی در پرتاب به فضا حالت دو مرحله‌ای و گاه چند مرحله‌ای خواهند داشت و باید از چندین موتور استفاده کنند (آرنت، ۱۳۷۹؛ ۶۶۰-۶۵۹). اصولاً موشک‌های بالستیک حالت دو مرحله‌ای دارند. اغلب کشورهای منطقه و از جمله اسرائیل در پرتاب ماهواره‌های خود و از جمله ماهواره‌های بزرگ‌تر مخابراتی که نمونه اسرائیلی آن "آموس" می‌باشد از پرتاب‌گرهای خارجی از جمله فرانسوی و روسی استفاده می‌کنند. باید توجه داشت که مصر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، الجزایر، مراکش و ترکیه نیز دارای برنامه‌های ماهواره‌ای هستند. حتی اتحادیه عرب دارای برنامه ماهواره‌ای خاص خود به نام "عرب‌ست" است (همان). بنابراین موشک‌های بالستیک همیشه برای مقاصد صرف نظامی کاربرد ندارند و برای برنامه‌های علمی، مخابراتی و اطلاعاتی نیز می‌توانند مفید باشند. در واقع این موشک‌ها دارای استفاده دوگانه هستند و

دو منظوره می‌باشند.

۲- نقش موشک‌ها در بازدارندگی

کشورهای منطقه خاورمیانه خصوصاً ایران، با توجه به طیف وسیع تهدیدات، موشک‌ها را به عنوان جزء مهم راهبرد بازدارندگی نظامی خود در نظر گرفته‌اند؛ زیرا موشک‌ها اساساً بازدارنده‌اند. این نکته‌ای است که از نظریات “امستر” استنباط می‌شود. به نظر او ورود به عصر موشک‌های میان‌قاره‌ای، استراتژی‌های خاصی را به دنبال دارد که اساساً بازدارنده‌اند (عسکرخانی، ۱۳۸۳: ۱۲۶). امستر و شروین دو نویسنده غربی عقیده دارند که موشک‌ها با تهدید شهرها و شهروندان می‌توانند اثرات بازدارنده مهمی داشته باشند. آسیب‌پذیری شهرها در برابر موشک‌ها بسیار بالاست. آنگونه که از نظریه امستر می‌توان استنباط کرد حفاظت شهروندان برای دولتها در عمل مهم‌تر و ضروری‌تر از حفاظت نیروهای نظامی نیست (همان: ۱۲۷). در واقع دولت‌ها نهایتاً به این نتیجه می‌رسند که بهتر است از نظامیان و تاسیسات نظامی بیشتر از شهروندان و شهرها دفاع کنند و در این حال روشن است که چه آسیب‌هایی به غیرنظامیان وارد می‌شود. پس اصولاً بهتر است کار به جنگی نکشد که با شلیک موشک‌ها شهروندان قتل عام می‌شوند. به نظر شروین احتمال یک مسابقه تسلیحاتی و جنگ بلند مدت نیز در اینجا وجود دارد. او دو قبیله متخاصم را مثال می‌زند که در مجاورت هم زندگی می‌کنند. آنان هیچ سلاحی ندارند جز نیزه‌های آغشته به مواد سمی هیچ دفاعی در برابر این نیزه‌ها وجود ندارد و سم آنها نیز کشنده است. در عین حال در موقعیتی نیستند که یکدیگر را خلع سلاح کنند. اما سم نیزه‌ها به سرعت منجر به مرگ نمی‌شود. بنابراین در وهله نخست افراد اغلب زخمی می‌شوند و می‌توانند قبل از مرگ باز هم به پرتاب نیزه‌های خود اقدام کنند و نتیجه‌ای که او می‌گیرد اینست که بر مبنای یک انتخاب عقلانی دو قبیله هیچگاه به جنگ مبادرت نمی‌کنند، زیرا چنین جنگی تنها مدت زیادی طول می‌کشد و برنده واقعی هم نخواهد داشت (همان). می‌توان وضع این دو قبیله را با کشورهای منطقه مقایسه کرد؛ موشک‌های آنها و برنامه‌های سلاح نامتعارفی که برخی از آنها دنبال می‌کنند را می‌توان به جای نیزه‌ها و سم نیزه‌های دو قبیله نشان داد. اما در جنگ محتمل، هیچ کشوری به سرعت نابود نخواهد شد زیرا این سلاحها به سرعت عمل نمی‌کنند و با توجه به فراگیری این موشک‌ها و سلاحهای نامتعارف همه علیه هم

اقدام می‌کنند و یک مسابقه ویرانگر پیش خواهد آمد که به حکم عقل و انتخاب عقلانی باید از آن دوری جست.

“شلینگ” نظریه پرداز دیگری است که عقیده دارد موشک‌ها ابزار قدرت صدمه هستند (همان: ۱۲۸). به این معنی که با شلیک آنها اهداف و منافع دشمن آسیب می‌بیند، اما توان نظامی او نابود نمی‌شود. به این ترتیب موشک‌ها دارای خواص اصلی یک استراتژی هسته‌ای هستند، مانند قدرت وارد کردن درد شدید و یا قدرت تخریب. به نظر شلینگ موشک‌ها با برخورداری از چنین خواصی دارای “خشونت نهفته” هستند و ابزار مناسبی برای بازدارندگی می‌باشند زیرا به این ترتیب می‌توانند رفتار دشمن را کنترل کنند. به این ترتیب یک موازنه وحشت شکل می‌گیرد و کشورها به منظور اجتناب از جنگ به دیپلماسی روی می‌آورند و موشک‌ها ابزار دیپلماسی می‌شوند. به نظر شلینگ به این ترتیب پیروزی در جنگ ممکن نیست اما کشورها باید به لزوم حفظ توانایی ضربه دوم واقف باشند و بهترین سلاحها را خوب پنهان کنند تا برای ضربه دوم به کار روند. به نظر او ضربه دوم و قابلیت آن انگیزه اقدام به ضربه اول را از بین می‌برد؛ خاصه اینکه سلاحها در این مرحله دقت چندانی ندارند و علیه غیرنظامیان به کار می‌روند (همان).

به این ترتیب موشک‌ها می‌توانند از نظر بازدارندگی اهمیت بسیاری داشته باشند. با تجهیز به آنها می‌توان بر رفتار و گزینه‌های استراتژیک تاثیر گذارد. و دشمن را به درد و رنج شدید تهدید نمود. می‌توان به این ترتیب از وقوع جنگ تا حد زیادی جلوگیری نمود. این حداقل امری است که در نظر و به صورت نظری فهمیده می‌شود. موشک‌ها می‌توانند برای تکمیل دفاع و بازدارندگی از طریق انکار نیز به کار روند. البته “ساموئل هانتینگتون” عقیده دارد که انکار به تنهایی کافی نیست و برای تکمیل آن استفاده از تلافی لازم است. به نظر ما بخشی از این تلافی می‌تواند با کمک موشک‌ها صورت گیرد. بنابراین کشورهای منطقه در دکترین نظامی و دفاعی خود با توسعه سلاح‌های موشکی می‌توانند ابزار بیشتری برای تلافی بدست آورند و بویژه توانایی ضربه دوم را نیز پیدا کنند. در زمینه کسب این توانایی اسرائیل تاکنون پیشقدم بوده و با خرید سه زیردریایی “دولفین” از آلمان می‌تواند سلاحهای هسته‌ای خود را بر آنها سوار کند و از آسیب ضربه اول مصون نگه دارد و به این ترتیب به توصیه شلینگ نیز عمل کرده است (همان: ۱۲۹). بازدارندگی موشک‌ها برای

کشورهای خاورمیانه از جمله ایران می‌تواند نسبت به یکدیگر، نسبت به اسرائیل و نسبت به آمریکا و غرب باشد.

۲،۱- بازدارندگی نسبت به یکدیگر

مسئله‌بخش مهمی از نوسازی و تجهیز ارتش ایران برای مهار عراق و کسب برتری نسبت به این همسایه کم و بیش خطر ساز بوده است. موشک‌های اسکاد ایران در وهله اول در برابر قدرت موشکی عراق ایجاد شده‌اند (<http://www.tau.ac.il/jcss/ballance/turkey.pdf>). از سوی دیگر عراق نیز توانایی‌های موشکی را برای اعمال فشار بر ایران نیاز داشت.

در این میان عربستان سعودی با کسب توانایی موشکی از چین در سال ۱۹۸۸ به دنبال مهار همسایگانی نظیر عراق و کشورهای همجوار از قبیل ایران و اسرائیل بوده است. در این میان رقابت ایران و عراق جدی‌ترین مورد تلاش همسایگان برای کسب توانایی‌های رقیب بوده است و این به جهت جنگ طولانی مدتی بود که تصمیم‌گیران نظامی و استراتژیست‌های دو طرف را به ارزش این تسلیحات واقف نمود. ایران در زمانی به دنبال این سلاح هاست که در منطقه جنوب آسیا دو کشور هند و پاکستان نیز توانایی‌های موشکی و هسته‌ای خود را به نحو قابل توجهی توسعه داده‌اند. البته تلاش‌های این دو کشور در اصل علیه یکدیگر است اما به هر حال جوی را ایجاد کرده که ایران خواه ناخواه به کسب توانایی موشکی وادار می‌شود و به کسب توانایی استراتژیک احساس نیاز می‌کند. ایران می‌تواند در گسترش توانایی‌های موشکی خود نوعی بازدارندگی و کسب برتری استراتژیک نسبت به ترکیه را نیز مدنظر داشته باشد که به تازگی در این زمینه تلاش‌هایی را آغاز کرده است و از سیستم‌های ماهواره‌ای همچون "ترک ست" و "بیل ست" برخوردار است (طارمی). ترکیه برخی پروژه‌های موشکی را نیز در دست اجرا دارد. مقامات جمهوری اسلامی ایران بارها به ارزش بازدارندگی نظامی به نحوی که دشمن را از فکر حمله به ایران خارج کند اشاره کرده‌اند (UAV, Unmanned, Aerial Vehicle).

۲،۲- بازدارندگی نسبت به اسرائیل

اسرائیل هدف دشمنی و خشم دولتهای انقلابی در منطقه بوده است و طی سالها جنگهای

بسیاری بین اعراب و اسرائیل رخ داده که دو تا از آخرین آنها جنگ بین اسرائیل و حزب الله لبنان (۳۳ روزه) و جنگ بین اسرائیل و فلسطینیان نوار غزه (۲۲ روزه) بوده است. اسرائیل در بسیاری از پیروزی های نظامی که پیشتر از این بر اعراب کسب کرد از پشتوانه قوی نیروی هوایی خود برخوردار بود. از جمله در جنگ ۱۹۶۷ با حملات برق آسای هوایی به مصر به پیروزی رسید؛ در جنگ ۱۹۷۳ بخش مهمی از صنایع و توان اقتصادی و صنعتی سوریه را در پاسخ به حملات موشکی آن کشور نابود ساخت. در سال ۱۹۸۱ نیروگاه اتمی عراق موسوم به "تموز" یا "اوزیراک" را بمباران کرد، طی منازعه بلندمدت خود در لبنان بسیاری از اهداف مربوط به سوریه و مقاومت اسلامی لبنان را مورد هجوم قرار داد و در درگیری های اخیر با فلسطینیان نیز بالگردهای تهاجمی از نوع "آپاچی" و نیز "هوایماهای بدون سرنشین" (یوایوی)، نقش مهمی در عملیات ارتش اسرائیل علیه فلسطینیان مبارز داشته است (قهوه چی، همان). در برابر برتری هوایی اسرائیل، ایران، مصر، سوریه، عراق و تا حدی نیز عربستان سعودی کوشیده اند توانایی های موشکی خود را توسعه دهند.

سوریه همسایه ای است که با اسرائیل صلح نکرده و لاقلاً چهار بار با وی جنگیده است. سوریه همچنین همسایه ای است که مراکز و مقرهای رادار آن در لبنان مورد هجوم اسرائیل واقع شده اند (حمله هوایی اسرائیل به "ضهرالبیدر" در لبنان) در سال ۲۰۰۳ نیز اسرائیل حریم هوایی سوریه را نقض نمود و به اردوگاهی واقع در خاک آن کشور حمله برد (همان). طبعاً چنین کشوری به منظور تهدید اسرائیل و کاستن از شدت عمل آن به بازدارندگی موشک های تهاجمی نیاز دارد. (یک بازدارندگی متعارف که البته در صورت تجهیز موشک ها به سلاح شیمیایی غیرمتعارف می شود و سوریه با استفاده از آن می تواند اسرائیل را به تلافی تهدید کند). در واقع توانایی روزافزون سوریه در حمله به اسرائیل با استفاده از موشک های نوع اسکاد بویژه اگر هم زمان رگباری از این موشک ها را به اسرائیل شلیک کند می تواند آسیب های جدی برای این رژیم در پی داشته باشد. در این حال اسرائیل شاید نتواند استفاده مؤثری از دفاع موشکی نوپای خود بکند؛ ضمن اینکه هدف قراردادن و انهدام تعداد زیادی پرتاب کننده موشک همراه مقرهای فرماندهی آنها و مراکزی که به ادعای اسرائیل تولید سلاح های نامتعارف سوریه در آنها انجام می گیرد، کار بسیار دشواری خواهد بود (قهوه چی، پیشین).

بازدارندگی ایران علیه اسرائیل بیشتر برای بازداشتن این رژیم از حمله بی پروا به

تأسیسات هسته‌ای و نیروگاه‌های ایران است. این موشک‌ها در نهایت می‌توانند در صورت وقوع احتمالی چنین حمله‌ای به کار گرفته شوند. و به ایران در برابر اسرائیل بازدارندگی از طریق تهدید به تنبیه بدهند. ایران سعی دارد که به این ترتیب بر نحوه تصمیم‌گیری سران اسرائیل اثر بگذارد و آنها را متقاعد نماید که حمله به ایران برای آنها پرهزینه خواهد بود؛ بویژه که ایران با موشک‌های کوتاه‌برد و برد متوسط خود قادر به تلافی است. بنا به گزارش منابع غربی و اسرائیلی ایران تعدادی از موشک‌های کوتاه‌برد خود را [برای روز مبادا] در سوریه مستقر نموده (Cordesman: 56) و برخی موشک‌های دیگر را در اختیار حزب‌الله قرار داده و یا در جنوب لبنان مستقر کرده است (Gold, Ibid). در شرایط فعلی به نظر نمی‌رسد کشورهای منطقه هیچکدام مقاصد تهاجمی نسبت به اسرائیل داشته باشند، اما در برابر ماجراجویی‌های اسرائیل بیشتر به نیروهای موشکی خود متکی هستند. مثلاً اگر تمامیت ارضی سوریه بیش از این توسط اسرائیل تهدید شود و حکومت بعثی سوریه اگر دوام و اقتدار خود را دچار تهدید اسرائیل ببیند، بی‌گمان از گزینه موشک‌ها استفاده خواهد کرد و حتی در صورت نیاز اگر لازم و مؤثر باشد احتمالاً آنها را به کلاهک نامتعارف مجهز می‌کند. ایران چنانکه گفته شد از ظرفیت صنعتی و نظامی خود دفاع می‌کند و به اسرائیل درباره حمله علیه نیروگاه‌ها و کارخانه‌های سوخت هسته‌ای خود هشدار می‌دهد و حتی در صورت نیاز سلاح‌های موشکی را وسیله‌ای برای حمایت از حزب‌الله و سوریه در برابر بی‌پروایی‌ها و اقدامات تند اسرائیل می‌بیند (همان).

صدام در زمانه قدرت و اقتدار خود موشک‌هایش را ابزار بازدارندگی در برابر اسرائیل می‌دید و در آوریل ۱۹۹۰ تهدید کرد که "اگر اسرائیل به اقدامی علیه عراق دست بزند با آتش موشک‌های خود نیمی از آن کشور را می‌سوزانیم..." صدام همچنین سلاح‌های شیمیایی عراق را در برابر سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل قرار داد و به بازدارندگی آنها اشاره کرد. در واقع ضربه‌ای که عراق در نابودی نیروگاه اتمی خود متحمل شد نه تنها برنامه نامتعارف این کشور را متوقف نکرد بلکه احتمالاً عاملی بود که این کشور را به توسعه توانایی‌های موشکی و نامتعارف خود کشاند.

۲.۳- بازدارندگی نسبت به غرب

معنای بازدارندگی مطرح در اینجا توانایی یک کشور در منطقه خاورمیانه است که بتواند

به نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه و منافع آمریکا و متحدینش ضربه بزند. همانطور که قبلاً هم گفته شد، اگر گزارشهای منابع غربی صحیح باشد ایران در دهه آینده میلادی می‌تواند موشک‌هایی بسازد که برد آنها به ساحل شرقی ایالات متحده می‌رسد. با این حال هنوز هیچ کشوری در منطقه خاورمیانه توان لازم برای ضربه زدن موثر به نیروهای آمریکایی ندارد. جنگ خلیج فارس که برای بیرون راندن عراق از کویت بر پا شد نشان داد که کشورهای منطقه تا زمانی که توانایی کافی در حمله به منافع آمریکا و ضربه زدن به نیروهای آن و در صورت امکان تهدید خاک این قدرت جهانی رانیاخته‌اند، نباید به درگیری و جنگ تمام عیار با وی دست بزنند. نکته مهم آنست که آمریکا ایران و بسیاری از دیگر کشورهای منطقه را به گسترش سلاحهای کشتار جمعی و حمایت از تروریسم متهم می‌کند و براساس تئوری های جنگ پیشدستانه که صاحب نظران آمریکایی بویژه پس از یازده سپتامبر آنرا تئوریزه کرده‌اند، آنها را در معرض حمله خود می‌داند. بنابراین طبعاً این کشورها نگران مقاصد و نیت آمریکا هستند و این امید در آنها هست که لااقل برای دفاع از خود توان نسبی تهدید منافع غرب و آمریکا را پیدا کنند. شاید توسعه موشک‌های کوتاه‌برد نیروی دریایی ایران را بتوان بر همین مبنا توجیه کرد. بسیاری از این نوع موشک‌ها از نوع کروز می‌توانند کشتی های جنگی، نفتکش‌ها، استحکامات ساحلی در حاشیه خلیج فارس و اهدافی از این قبیل را هدف قرار دهند (Cordesman: 570).

برخی کشورهای اروپایی مدعی هستند که کشورهای نظیر ایران با افزایش برد موشک‌های خود در صدد آن هستند که با تهدید کشورهای اروپایی آنها را برای کسب منافع سیاسی مورد نظر خود تحت فشار قرار دهند (اولسر، ۱۳۸۳: ۵۷).

سئوالی که مطرح است این است که کسب توانایی های موشکی پیشرفته تا چه اندازه می‌تواند مانع از تهاجم آمریکا به ایران باشد؟ مسلماً درممانعت از چنین تهاجمی وضعیت عراق و چگونگی مذاکرات در زمینه پرونده هسته‌ای ایران مهم تر است. اینکه ایران قابلیت های موشکی داشته باشد و توانایی نظامی تهاجمی خود را توسعه دهد، مسلماً هزینه حمله به ایران را برای آمریکا بالا می‌برد. اما ایران در موشک‌های تهاجمی برد متوسط خود هنوز از عقبه لازم برخوردار نیست و پشتیبانی مؤثر ندارد. همچنین دفاع هوایی که ایران را در برابر حملات آمریکا و اسرائیل حفظ کند هنوز ضعف دارد. فن‌آوری و تسلیحات موشکی ایران هنوز نوپاست. در واقع احتمالاً برای توسل به بازدارندگی نظامی کمی زود

است و شرایط هنوز به نفع ایران نیست و بهتر است که ایران برای رشد نسبی صنایع دفاعی خود و رسیدن آنها به مراحل تولید انبوه از درگیر شدن با قدرتهای بزرگ پرهیزد (آرنت، پیشین، ۴۷۱). با این همه چنانکه گفته شد توسعه تسلیحات موشکی و توان تهاجمی ایران، آمریکا و اسرائیل را وادار می‌کند با احتیاط بیشتری برخورد کند.

نتیجه گیری

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت با توجه به خطرات متعدد امنیتی در منطقه خاورمیانه از جانب همسایگان، اسرائیل و غرب بویژه آمریکا و با توجه به برتری هوایی اسرائیل و غرب، موشک‌ها می‌توانند از نظر بازدارندگی برای کشورهای منطقه نقش موثری را بازی کنند. با تجهیز به آنها می‌توان بر رفتار و گزینه‌های استراتژیک تأثیر گذارد و دشمن را به تلافی تهدید نمود. می‌توان به این ترتیب از وقوع جنگ تا حد زیادی جلوگیری نمود. این حداقل امری است که در نظر و به صورت نظری فهمیده می‌شود. موشک‌ها می‌توانند برای تکمیل دفاع و بازدارندگی از طریق انکار و تلافی به کار روند. بنابراین کشورهای منطقه در دکترین نظامی و دفاعی خود با توسعه سلاح‌های موشکی می‌توانند ابزار بیشتری برای تلافی بدست آورند و بویژه توانایی ضربه دوم را نیز پیدا کنند. این مساله در مورد کشوری مانند ایران که از نظر دسترسی به فناوری‌های پیشرفته نظامی و بازار تسلیحات با محدودیت‌های بسیاری روبرو است و در عین حال از سوی دشمنی پرتوان تر تهدید می‌شوند و با توجه به فشار زمانی برای آمادگی در برابر یک رویارویی احتمالی، یک اولویت راهبردی تلقی می‌شود. زیرا در شرایط موجود، موشک‌ها واجد امتیازاتی هستند که به سبب آنها کشور دارنده می‌تواند با صرف هزینه کمتر و در زمانی کوتاه تر به قابلیت بازدارندگی بهتری دست یابد.

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. کوردزمن، آنتونی. اچ، (۱۳۸۲)، موازنه نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ندسا)؛ تهران، نشر سایه روشن، ص ۱۴۰

۲. کرمی، جهانگیر (زمستان ۱۳۷۵)، جنگ افزارهای مدرن و منازعات منطقه‌ای: پیامدهای استراتژیک موشک بالستیک برای خاورمیانه، فصلنامه راهبرد، ش ۱۲: صص ۵۸-۳۷
۳. عسکرخانی، ابومحمد، (زمستان ۱۳۷۷)، سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای، مجله سیاست دفاعی شماره ۲۵، صص ۴۸-۱۹
۴. قهوه‌چی، ریاض (زمستان ۱۳۸۰)، ابعاد گسترش موشک‌های بالستیک در خاورمیانه، گروه ترجمه فصلنامه نهضت، فصلنامه نهضت، شماره ۸، ۲۳۳-۲۰۹
۵. طارمی، کامران (بهار ۱۳۸۲)، تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۹
۶. آرنت، اریک (۱۳۷۹)، ظرفیت نظامی و خطر بروز جنگ: چین، هند، پاکستان و ایران، مترجمان: سید شمس الدین میرابوطالبی، محمد خوشقدم نیا و پرویز قاسمی، تهران، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، صص ۶۶۰-۶۵۹
۷. حسینی، مختار، (۱۳۸۲)، سیاست‌های تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۱۳۷، ۳۵-۱۱۱.
۸. عسکرخانی، ابومحمد، (۱۳۸۳)، رژیم‌های بین‌المللی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ص ۱۲۶.
۹. اولسر، ایان، (تابستان ۱۳۸۳)، سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه: عوامل موثر در تکثیر و پیامدهای استراتژیک، ترجمه علی پورقلی، فصلنامه دفاعی - امنیتی، سال یازدهم، شماره سی و نهم صص ۸۸-۳۵
۱۰. اینهون، رابرت جی، (زمستان ۱۳۸۳)، دوسوی آتلانتیک؛ ضرورت اتحاد استراتژیک، اروپا و آمریکا باید به اختلاف خود در قبال مسائل هسته‌ای ایران پایان دهند، ترجمه افسانه احدی، راهبرد، ۳۴، صص ۱۵۶-۱۴۶

۲. منابع انگلیسی

1. Kemp, Geoffrey. et.al. «Iran's nuclear weapons options: issues and analysis».p56
2. (<http://www.nixoncenter.org/publications/monographs/Irans%20Nuclear%20weapons%20options%20-%20Issues%20and%20Analysis2.pdf>)

3. Rubin, Uzi; «Meeting the "depth threat" from Iraq: the origins of Israel's Arrow system»
4. (<http://www.jcpa.org/brief2-19.htm>)
5. Stav, Arie; «The Israeli aspect of ballistic missile defence (BMD): strategy by default
6. (<http://www.acpr.org.il/lins/articles/stav1.htm>)
7. Gold, Dore; «Middle East missile proliferation, Israeli missile defense , and the ABM treaty debate»
8. (<http://www.jcpa.org/jl430.htm>)
9. Cordesman, Anthony H; 2002, «Strategic threats and national missile defenses»; Westport, Connecticut, Praeger Publishers, PP.126-130
10. Cohen, Avner; «Israel and chemical /biological weapons: history, deterrence , and arms control»
11. (<http://cns.miis.edu/pubs/npr/vol08/83/83cohen.pdf>)
12. «Israel special weapons guide , missile , jericho 2 »
13. (<http://www.fas.org.nuke/guide/israel/missile.jericho-2>)
14. Koch , Andrew; «Tehran altering ballistic missile»; Jane's Defense Weekly ; vol41, 2004, December 8
15. Cordesman, Anthony H ; 2002; «Peace and war: Arab –Israeli military balance enters 21st century»; Westport, Connecticut; Praeger Publishers; P392
16. Shapir. Yiftah; «Satellite Technology in the Middle East»; volume7, No.1; May 2004
(<http://www.tau.ac.il/jcss/sa/v7n1p5sha.html>)
17. <http://www.iai.co.il>
18. «IAI/MLM Division, System missiles and space group Satellite launchers & Space system»
19. (http://www.iai.co.il/data/sip-_storage/files/1/33401.pdf)

20. Cordesman, Anthony H; 1987, The Iran-Iraq war and western security; New York. NY; Jane's Publishing Company Limited;;PP132-4
21. (<http://www.tau.ac.il/jcss/ballance/turkey.pdf>)
22. UAV, Unmanned, Aerial Vehicle
23. (<http://www.nipp.org/adobe/laymans%20guide/guide20%no%202.pdf>)
24. Carus,Seth, 1990 «Ballistic missiles in the third world, threat and response» , Washington DC, Center for strategic studies, p 19

Missiles' Role in Deterrent Strategy of IR of Iran

Hamid-Reza GHAWAM MALEKI
MA in International Relations, Tehran University

The permanent volatility of the security atmosphere of the Middle East has prompted the governments in the region to extensively build up their military power and to procure conventional and unconventional armaments on a large scale. Furthermore and as a result of the superiority of Israel and USA in terms of military potential, especially in the field of air force, the issue of missiles has, on many grounds, received much attention. Indeed this issue in a country like Iran which is faced with many limitations in terms of access to state-of-the-art military technology and armaments market on the one hand and is threatened by strong enemies on the other, and, given the time shortage for preparedness against a possible confrontation, missiles option is deemed a strategic priority. As a matter of fact, the missiles are under the present circumstances vested with privileges which enable the possessor country to achieve better deterrent power with less expenditure and in shorter time.

This article tries, by reviewing the above privileges, to explore the position of the missiles in the deterrent strategy of IR of Iran.

Keywords: Deterrence, strategy, ballistic missiles, Near East, armaments